

الباب السادس و العشر من الواحد السابع في ان الله قد...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب السادس و العشر من الواحد السابع في ان الله قد
فرض على كل ملك يبعث في دين البيان ان لا يجعل
احد على ارضه ممن لم يدن بذلك الدين و كذلك فرض
على الناس كلهم اجمعون الا من يتجر تجارة كلية ينتفع به
الناس بحروف الانجيل.

ملخص اين باب آنکه بر هر صاحب اقتداری ثابت بوده و هست من عند الله بر اینکه نگذارد در ارض خود غير مؤمن بيان را و در نزد ظهور "من يظهره الله" غير مؤمن با و را و ثمره آن آنکه در يوم قيامت شجرة حقيقت مشاهده نکند در ارضی که ظاهر میگردد دون مؤمنين بخود را و در ارض جنت نفس ناری نباشد و استخراج اهل بيان از حدود جنت غير رضای خدا بوده و هست

و مراقب بوده که در ظهور "من يظهره الله" در مؤمنين بان نشود چنانچه در اين ظهور در حق حروف حى که کل باآثار قبل ایشان کل اظهار علم خود را مینمودند و اصل دين ایشان بحب ایشان ثابت بود راضی نشده بآنچه از برای ديگران راضی شده بين چقدر کل محتجب محشور میشوند و حروف حى چقدر بينا



ORIGINAL



AUDIO

و مراقب باش که مثل این نوع در حق هیچ نفسی نشود که هیچ شیئی بمثل آن نهی نشده لعل در یوم قیامت باتباع این حکم نجات یابی و بر حروف واحدی که اصل دین خود را بآنها ثابت کردی حزنی وارد نیاوری زیرا که نمیشناسی و در حینی که نمیشناسی امارات حقه در نزد ایشان هست که یقین کنی که ایشان حقند و اگر از اهل فؤاد باشی که باستماع آیات از نزد ایشان میدانی که اول حشر قیامت است و حروف اسم واحدند یا دون آنها که امر الله را بکل میرسانند

و اذن داده شده حروف کتاب الف را و هر وجودی که مثل وجود اینها نفع مترتب شود از برای مؤمنین در تجارت ایشان که آنوقت اذن داده شده و الا نهی شده باشد نهی لعل در یوم قیامت شجره حقیقت نبیند در ارض ایمان دون مؤمنین بخود را و اگر در ملک نفسی باشد یک نفس بقدر همان در نار است الا همان که اذن داده شده اگر تجارت کلیه داشته باشد و الا ممنوع بوده و هست خصوص اگر بر شأن غیر عز باشد که مطلق اذن داده نشده فلتتقن الله فی ذلک الحکم ثم تتقون

و اگر نفسی نزد نفسی باشد حلال نبوده و نیست بر آن زیرا که حکم غیر ایمان در حق او میشود و شرط تجالس طهارت دین است نه دون آن و لتتقن الله حق التقی یا ایها الناس کلکم اجمعون.

